

روش‌های وسوسه شیطان

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی میری*

اشاره

خداوند انسان را آفرید و او را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داد و به ملائکه امر کرد به او سجده کنند. در میان ملائکه، یکی از جتیان که بعدها به نام «ابلیس» و یا «شیطان» شناخته شد نیز وجود داشت که او نیز امر به سجده بر آدم علیه السلام شد؛ ولی در اثر مقایسه خود با آدم علیه السلام و برتر دانستن خویش، سجده نکرد و از درگاه خداوند رانده شد. شیطان، از خداوند مهلت خواست و حق تعالی برای اینکه پاداش عبادت او را در همین دنیا بدهد، به او مهلت داد. سپس، شیطان بر گمراه کردن همه انسان‌ها سوگند یاد نمود.^۱

هدف از خلقت انسان، بندگی خداوند و حرکت در راه مستقیم اوست؛^۲ ولی شیطان تلاش می‌کند انسان را از راه مستقیم الهی منحرف کند. البته شیطان برای این کار نمی‌تواند انسان را به

* پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم حدیث.

۱. ر.ک: ص، آیه ۸۲.

۲. ر.ک: ذاریات، آیه ۵۶.

انجام گناه مجبور نماید؛ بلکه تنها از وسوسه استفاده می‌کند و با وعده‌های گوناگون، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا انسان با اختیار خودش به معصیت روی آورد. در روز قیامت نیز شیطان با همین استدلال، خود انسان‌ها را مستحق ملامت و سرزنش می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱

و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت]، شیطان می‌گوید: «در حقیقت، خدا به شما وعده داد؛ وعده حق، و من به شما وعده دادم و تخلف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود؛ جز اینکه شما را دعوت کردم و مرا اجابت نمودید. پس، مرا نکوهش نکنید و خود را سرزنش نمایید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌دانستید، کافرم.» آری، ستمکاران عذابی دردناک خواهند داشت.»

برای مصون ماندن از شر شیطان، باید وسوسه‌های او را شناخت. در این نوشتار، به معرفی و بازشناسی مهم‌ترین روش‌هایی که شیطان برای وسوسه آدمی به کار می‌گیرد، می‌پردازیم.

تعریف وسوسه

وسوسه، در لغت به معنای صدای آهسته و پنهانی است. حدیث نفس و آنچه از اندیشه‌های ناروا که به قلب انسان خطور می‌کند نیز از این منظر، وسوسه نامیده شده است.^۲

در آیات و روایات نیز معنای لغوی وسوسه به کار رفته است و منظور از وسوسه، مطلبی است که توسط شیطان یا نفس اماره، برای منحرف کردن به انسان عرضه می‌شود. آنچه در وسوسه محوریت دارد، این است که در ورای آنچه به انسان پیشنهاد می‌شود، امری مخفی و پنهان وجود دارد که به غرض فریب دادن و گمراه کردن آدمی، القا می‌شود.^۳

۱. ابراهیم، آیه ۲۲.

۲. «الْوَسْوَسَةُ: حدیث النفس.» (خلیل‌بن‌احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۳۳۵، ماده «وسوس»); «الْوَسْوَسَةُ: الخطرة الردیة، وأصله من الوَسْوَسِ، وهو صوت الحلی، والهمس الخفی.» (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۸۶۹، ماده «وسوس»); «الْوَسْوَسَةُ وَالْوَسْوَسُ: الصوت الخفی من ریح.» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۵۴، ماده «وسوس»)

۳. ر.ک: اعراف، آیه ۲۰؛ ق، آیه ۱۶.

ضرورت شناخت وسوسه‌های شیطان

خداوند فرصت محدودی برای زندگی در اختیار انسان قرار داده است.^۱ به همین دلیل، برای اینکه آدمی بتواند از زندگی دنیوی خود بیشترین بهره را ببرد تا آخرتی آبادتر داشته باشد، به برنامه‌ای جامع نیاز دارد که همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی او را تأمین کند. خداوند از طریق انبیا و اولیای الهی، این برنامه را در اختیار انسان قرار داده است. خداوند در مسیر بندگی، امتحان‌های گوناگونی برای همه انسان‌ها، متناسب با شرایطشان قرار داده است^۲ که وظیفه آنها، انتخاب یکی از راه‌های پیش روست.^۳ شیطان می‌کوشد با وسوسه‌هایی که به انسان القا می‌کند، او را در انتخاب راه درست دچار خطا و اشتباه نماید. از این رو، شناخت شیطان و وسوسه‌های او، امری ضروری است تا انسان بتواند در امتحانات الهی انتخاب درستی و به‌حقی داشته باشد.

شیوه‌های وسوسه شیطان

خداوند انسان‌ها را گوناگون آفریده است و علاوه بر تفاوت‌های شخصی و شخصیتی و نژادی^۴، تفاوت‌هایی در نوع زندگی آنها نیز قرار داده است؛ یعنی امکانات و استعدادهایی که به انسان‌ها بخشیده یا یکدیگر متفاوت است.^۵ فقر و غنا، زیبایی و زشتی، مرد بودن و زن بودن، سفید بودن و سیاه بودن و تفاوت‌های دیگری که بین انسان‌ها وجود دارد، زمینه بسیاری از امتحانات الهی را فراهم می‌آورد. شیطان نیز با توجه به این گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها، از شیوه‌های مختلفی برای وسوسه و گمراه کردن انسان استفاده می‌کند. در ادامه، به مهم‌ترین شیوه‌هایی که شیطان برای گمراهی انسان از آنها استفاده می‌کند، اشاره می‌شود.

۱. ایجاد آرزوهای طولانی

یکی از شیوه‌هایی که شیطان برای گمراه نمودن انسان‌ها به کار می‌گیرد، این است که آرزوهای باطل و بیهوده و یا غیرضروری را به قلب آنها القا می‌کند. قرآن کریم سخن شیطان را این گونه

۱. ر.ک: زمر، آیه ۳۰.

۲. ر.ک: بقره، آیه ۲۸۶.

۳. ر.ک: عنکبوت، آیه ۲ و ۳.

۴. ر.ک: روم، آیه ۲۲.

۵. ر.ک: زخرف، آیه ۳۲.

بیان فرموده:

«وَلَا ضَلَّ لَهُمْ وَلا مَنِّيْنَهُمْ...»^۱ و آنان را سخت گمراه نموده، دچار آرزوهای طولانی خواهم کرد...»

«در این آیه شریفه، از شیطان حکایت شده که گفته است: من انسان‌ها را از راه سرگرم‌کردنشان به پرستش غیرخدا و ارتکاب گناهان، گمراه خواهم کرد و آنان را توسط اشتغال به آمال و آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگی‌شان باز بدارد، فریب می‌دهم تا آنچه را برایشان مهم و حیاتی است، به جهت آنچه موهوم و خالی از واقعیت است، رها کنند.»^۲ این، در حالی است که سنت خداوند بر این نیست که هر چه انسان آرزو کند، برآورده نماید.^۳

از جمله آرزوهای باطل، می‌توان به آرزوی جاودانگی اشاره کرد که شیطان آدم عَلَيْهِ السَّلَام و حوا عَلَيْهَا السَّلَام را از این طریق فریب داد. در زندگی امروزی نیز چنین آرزوهایی را می‌توان در بین مردم مشاهده کرد؛ آرزوهایی مانند ازدواج با همسری که دارای تمام کمالات باشد و هیچ عیب و نقصی نداشته باشد. بدیهی است که یکی از موانع ازدواج، همین آرزو و خواسته باطل است. و یا آرزوی شغلی آسان با درآمدی بالا و مواردی از این دست که با سنت‌های الهی ناسازگار است.

۲. ترساندن انسان

ترس، از جمله ویژگی‌هایی است که خداوند در نهاد انسان قرار داده است تا از این طریق، آدمی بتواند از آنچه برای او ضرر دارد، دوری کند. برای رسیدن به راحتی اخروی و نترسیدن و محزون نبودن در روز قیامت^۴، انسان باید در این دنیا از کارهای ناشایست دوری کند که لازمه آن، ترسیدن از عواقب ناخوشایند آنهاست. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد عاقبتی نیکو بیابد، باید از خداوند و دادگاه پایانی در روز قیامت بترسد؛^۵ ولی شیطان از این طریق نیز می‌خواهد انسان‌ها را به گمراهی بکشاند. از این رو، سعی می‌کند موضوع ترس انسان را تغییر دهد؛ یعنی به جای ترس از خدا و روز آخرت، ترس از امور زودگذر دنیایی را جایگزین آن کند. از دست دادن آنچه برای

۱. نساء، آیه ۱۱۹.

۲. سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۱۳۶.

۳. ر.ک: نجم، آیه ۴.

۴. ر.ک: یونس، آیه ۶۲.

۵. ر.ک: انعام، آیه ۱۵؛ رحمن، آیه ۴۶؛ انسان، آیه ۷ و ۱۰.

انسان دوست‌داشتنی است، بسیار ناخوشایند است و شیطان نیز از همین راه وارد می‌شود و آدمی را نسبت به از دست دادن دوست‌داشتنی‌هایش می‌ترساند؛ مانند ترس از مرگ و به‌خصوص جهاد و جان‌دادن در راه خدا.

همه انسان‌ها از دنیا خواهند رفت^۱ و دنیا، مانند گذرگاهی است و مرگ، پلی برای عبور به سوی آخرت می‌باشد. بنابراین، مرگ، امری حتمی است و نباید از آن ترسید؛ بلکه آنچه انسان باید از آن بترسد، مرگ در حالی است که ایمانش ناقص باشد؛^۲ ولی شیطان ترس از خود مرگ را در قلب انسان می‌اندازد تا امور مهم‌تر، یعنی مرگ باعزت و در حال ایمان را کم‌رنگ جلوه دهد.

یکی دیگر از ترس‌هایی که شیطان جایگزین ترس از خدا و روز قیامت می‌کند، ترس از این است که انسان اموالش را از دست بدهد و دچار فقر گردد.^۳ وقتی چنین ترسی در قلب انسان ایجاد شود، رذایل اخلاقی دیگر نیز در او رشد می‌کند؛ مانند: حرص، طمع و بخل. همچنین، بعضی از واجبات را ترک می‌کند؛ مانند قطع رحم و انجام‌ندادن واجبات مالی، مثل خمس و زکات. و گاهی برخی از محرمات را مرتکب می‌شود؛ مانند کم‌فروشی و فریب در معامله.

«قَوْلُهُ تَعَالَى (لَا تَبْتَغُوا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ...)^۴ أَمَّا خَلْفَهُمْ يَقُولُ مَنْ قَبِلَ دُنْيَاهُمْ أَمْرُهُمْ بِجَمْعِ الْأَمْوَالِ وَأَمْرُهُمْ أَنْ لَا يَصِلُوا فِي أَمْوَالِهِمْ رَحِمًا وَلَا يُعْطُوا مِنْهُ حَقًّا وَأَمْرُهُمْ أَنْ يَقْلَلُوا عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَاحْوَفُّهُمْ عَلَيْهِمُ الصَّيْعَةَ»^۵

در تفسیر این کلام خداوند [به نقل از شیطان] که می‌گوید: «آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم...»، آمده است: اما از پشت سرشان

۱. ر.ک: عنکبوت، آیه ۵۷.

۲. هنگامی که رسول خدا ﷺ خیر شهادت امیر مؤمنان علیه السلام را به او داد، آن حضرت پرسید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؛ ای پیامبر خدا! آیا درحالی که دینم سالم است، به شهادت می‌رسم؟» (شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ب ۲۸، ص ۲۹۷، ح ۵۳)؛ در سخنانی که بین حر بن یزید و امام حسین علیه السلام مطرح شد، حر به امام عرض کرد: «اگر بجنگی، کشته می‌شوی.» امام حسین علیه السلام در جواب او این شعر را خواندند: «سَأَفْضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَاذَ عَلَى الْفَتَى / إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا؛ می‌پذیرم؛ زیرا مرگ بر جوانمرد، ننگ نیست؛ اگر قصدش حق باشد و درحالی که مسلمان است، جهاد کند.» (شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۸۱)

۳. ر.ک: بقره، آیه ۲۶۸.

۴. اعراف، آیه ۱۷.

۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۴.

می‌گوید: از جانب دنیایشان به آنها دستور می‌دهم که به جمع‌آوری اموال پردازند و دستور می‌دهم که با اموالشان صلّه رحم انجام ندهند و حقی را از آن ادا نکنند و به آنها دستور می‌دهم که به فرزندانشان کم بدهند و آنها را از نداری می‌ترسانم.»

۳. تحریک شهوات انسان

از دیگر راه‌هایی که شیطان تلاش می‌کند از طریق آن انسان‌ها را گمراه کند، شهواتی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است.^۱ لذت‌بردن از لذت‌های حلال، کارکرد قوای شهویه است.^۲ شهوات، ابعاد مختلفی دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از شهوات مربوط به: امور جنسی، خوردنی‌ها، اموال و دارایی‌ها. شیطان از این موارد برای وسوسه انسان بیشترین استفاده را می‌برد.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْفِتْنُ ثَلَاثٌ؛ حُبُّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَهُوَ فَحْشُ الشَّيْطَانِ وَحُبُّ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ وَهُمْ سَهْمُ الشَّيْطَانِ...»^۳

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: گرفتاری‌ها در سه چیز است: دوست‌داشتن زنان [از طریق نامشروع] که شمشیر شیطان است و شراب‌خوری که دام شیطان است و پول‌دوستی که تیر شیطان است...»^۴ برای موضوع انحراف از طریق شهوت جنسی، می‌توان به داستان حضرت یوسف عليه السلام و زلیخا و نیز داستان قوم لوط که دچار همجنس‌بازی شدند، اشاره کرد. همچنین، از سوی دیگر، برای کوتاهی در استفاده از این قوه نیز شیطان آدمی را وسوسه می‌کند؛ مانند رهبانیت و ترک دنیا و رهاکردن کار و ازدواج.^۵ افزون بر این، برای موضوع انحراف از طریق شهوت مال‌اندوزی،

۱. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الشَّهَوَاتُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ؛ شهوات، دام‌های شکار شیطان است.» (تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۳۰۴، ح ۶۹۴۳)

۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: ... وَبِرُوحِ الشَّهْوَةِ أَصَابُوا لَدَيْدَ الطَّعَامِ وَنَكَحُوا الْحَالَالَ مِنْ سَبَابِ النِّسَاءِ...»؛ ... و با روح شهوت، به لذت غذا می‌رسند و با زنان جوان از طریق حلال ازدواج می‌کنند...» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۶)

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۹۱.

۴. «عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَتْ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، إِنِّي امْرَأَةٌ مُتَبَلِّغَةٌ. فَقَالَ: وَمَا التَّبْتُلُ عِنْدَكَ؟ قَالَتْ: لَا أَتَزَوَّجُ. قَالَ: وَلِمَ؟ قَالَتْ: أَلْتَمِسُ بِذَلِكَ الْفَضْلَ. فَقَالَ: انصرفي فلو كان ذلك فضلا لكانت فاطمة عليها السلام أحقّ به منك إنه ليس أحد يسبقها إلى الفضل؛ خانمی خدمت امام صادق عليه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، من زنی متبّلت هستم. حضرت فرمود: منظورت از تبّلت چیست؟ عرض کرد: ازدواج نمی‌کنم. حضرت

می‌توان داستان قارون را ذکر کرد که در سوره قصص از آیات ۷۶ تا ۸۱ به آن پرداخته شده است. درباره خوردنی‌های حرام نیز در قرآن آیات بسیاری وجود دارد؛ اما در بعضی از آیات مانند آیه ۹۰ سوره مائده، خداوند خمر و شراب را عمل شیطان معرفی می‌کند که باید از آن دوری کرد.

در هر دوره زمانی، شیطان برای به انحراف کشاندن قوه شهوانی انسان، از ابزارهایی که در آن زمان وجود دارد، استفاده می‌کند. در عصر کنونی، با توجه به پیشرفت‌های علمی، ابزارهای متنوعی وجود دارد که می‌تواند زمینه تحریک شهوات را ایجاد کند؛ ابزارهایی مانند: سینما، تلویزیون، ماهواره، رایانه، گوشی‌های هوشمند، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی. شاید بتوان گفت امروزه گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی مجازی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که شیطان برای گمراه نمودن انسان از آن استفاده می‌کند؛ زیرا در دسترس همگان بوده، کار با آنها بسیار آسان و سریع می‌باشد. یکی از آسیب‌های جدی فضاهای مجازی، این است که مرزهای حریم خصوصی را از بین برده و دستاویز محکمی را برای وسوسه‌های مخفیانه شیطان به وجود آورده است؛ به طوری که برخی افراد، آن قدر غرق در این فضا می‌شوند که متوجه آسیب‌های اخلاقی و روانی آن نمی‌شوند. سه مورد از وسوسه مهم شیطانی در این عرصه، عبارت است از:

- دریافت و دیدن عکس‌ها و فیلم‌ها و مطالبی که شهوات را تحریک می‌کنند؛

- انتشار و به اشتراک گذاشتن چنین محتواهایی؛

- تصویربرداری به صورت عکس یا فیلم از حریم خصوصی خود. در این مورد، معمولاً انسان وسوسه می‌شود فضای خصوصی خویش را از طریق فضای مجازی به دوستان نزدیک نشان دهد که در این صورت، کنترل آن از دست انسان خارج شده، احتمال آبروریزی و ایجاد مشکلات خانوادگی و زمینه انحراف دیگران نیز فراهم می‌شود. در این باره، بانوان در معرض آسیب‌های بیشتر و شدیدتری قرار دارند که برای جلوگیری از آن، توجه و حساسیت زنان و دختران جامعه و خودکنترلی از جانب همه افراد، امری ضروری است.

یکی دیگر از شهوات، نیت‌های ناخالص است؛ مثلاً انسان در نماز خواندن نیتش ریایی باشد و یا کسی که علمی دارد، برای اینکه در چشم مردم بزرگ دیده شود، با دیگران مناظره کند.

فرمود: چرا؟ عرض نمود: می‌خواهم به فضیلت برسم. حضرت فرمود: از تصمیمت برگرد؛ اگر ازدواج نکردن فضیلت داشت، حضرت فاطمه(س) از تو به آن شایسته‌تر بود؛ زیرا هیچ‌کسی در فضیلت از ایشان سبقت نگرفت.» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹، ح ۳)

«رَوَى أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: اجْلِسْ حَتَّى تَتَنَاظَرَ فِي الدِّينِ فَقَالَ يَا هَذَا أَنَا بَصِيرٌ بِدِينِي مَكْشُوفٌ عَلَيَّ هُدَايَ فَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا بِدِينِكَ فَادْهَبْ فَاطْلُبْهُ مَا لِي وَلِلْمَمَارَاةِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيُوسِسُ لِلرَّجُلِ وَيَتَأَجَّبِيهِ وَيَقُولُ نَاطِرِ النَّاسِ لَيْلًا يَظُنُّوْا بِكَ الْعَجْزَ وَالْجَهْلَ؛^۱

روایت شده که مردی به حسین بن علی علیه السلام عرضه داشت: بنشین تا درباره دین مناظره کنیم. حضرت فرمود: «ای مرد! من بر دینم آگاهی دارم و راه هدایت برایم روشن است. اگر تو نسبت به دینت ناآگاهی، آن را جست و جو کن. من را به مجادله چه کار؟ شیطان، آدمی را وسوسه می نماید و با او درگوشی سخن می گوید و توصیه می کند که با مردم مناظره کن تا گمان نکنند که تو نادان و ناتوان هستی.»

۴. به غضب آوردن انسان

قوای غضبیه نیز مانند قوای شهویه، برای تنظیم امور زندگی در نهاد انسان قرار داده شده است. یکی از کارکردهای قوه غضبیه، دفع شرّ و بدی از انسان است؛^۲ اما گاهی غضب، نه تنها موجب دفع شر نمی شود، بلکه سبب گرفتاری های مختلفی خواهد شد؛ مانند دعوایی که بر سر امور جزئی ایجاد شده و به قتل نفس و خونریزی و تهمت های ناروا منجر می گردد.^۳ این گونه غضب ها، از شیطان است که در روایات از آن نهی شده است.^۴ در روایتی، امام صادق علیه السلام به این مسئله و راهکار آن اشاره نموده است.

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ وَإِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا غَضِبَ أَحْمَرَّتْ عَيْنَاهُ وَانْتَفَحَتْ أَوْدَاجُهُ وَدَخَلَ الشَّيْطَانُ فِيهِ فَإِذَا خَافَ أَحَدُكُمْ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ فَلْيَلِزِمِ الْأَرْضَ فَإِنَّ رِجْزَ الشَّيْطَانِ لَيَذْهَبُ عَنْهُ عِنْدَ ذَلِكَ؛^۵

۱. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۷۱.

۲. «فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: ... وَيُرْوَحُ الْقُوَّةَ جَاهِدُوا عَدُوَّهُمْ وَعَالَجُوا مَعَاشَهُمْ...؛ و با روح قوت و نیرو، با دشمنان می جنگند و کسب معاش می کنند...» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۶)

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... كَانَ أَبِي يَقُولُ: أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنَ الْغَضَبِ؟ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَيَقْتُلُ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَيَقْدِرُ الْمُحْصَنَةَ؛ پدرم همیشه می فرمود: چه چیزی از غضب بدتر است؟ به درستی که مرد غضب می کند و نفسی را که خداوند برای آن حرمت قائل شده (انعام، آیه ۱۵۱)، می کشد و به زن پاکدامن تهمت بی عفتی می زند.»

(شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۴)

۴. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: ... إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ از غضب بپرهیز؛ زیرا آن، به تحریک شیطان است.» (صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۶۵، نامه ۷۶)

۵. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۱۲.

امام باقر علیه السلام فرمود: این غضب [و خشمی که در وجود شماست]، شراره ای است شیطانی که در دل آدمیزاد شعله ور می شود و چون کسی از شما خشمگین می شود، چشمانش سرخ شده و رگ های گردنش ورم می کند و شیطان در وجودش داخل می شود. پس، هرگاه کسی از شما از این حالت خویش بترسد، بر زمین بنشیند؛ زیرا در آن هنگام، وسوسه شیطان از او دور می شود. غضب در بسیاری از امور اجتماعی که انسان ها با یکدیگر در ارتباط هستند، شکل می گیرد. یکی از مهم ترین ارکان اجتماع، خانواده است که غضب های شیطانی در این نهاد مقدس، موجب فروپاشی آن می شود. از این رو، باید مراقب خویش بود تا آتش خشم نفسانی، کانون باطراوت خانواده را نسوزاند و از بین نبرد.

۵. زینت دادن به اعمال ناشایست

یکی از روش هایی که شیطان هنگام رانده شدن از درگاه خدا به آن تصریح کرد که به وسیله آن انسان ها را فریب می دهد، تزئین اعمال آنهاست.^۱ منظور از تزئین اعمال، این است که شیطان اعمال ناشایست و نادرست انسان را به گونه ای برای او زینت می دهد که او تصور می کند کارش خوب و نیکوست؛^۲ یعنی باطل را به صورت حق نشان می دهد و از این راه، انسان ها را به اشتباه و گمراهی می اندازد.

«الإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ، مِنْ دُعَائِهِ فِي الشُّكْرِ: فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَائِصٌ وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ؛^۳

امام زین العابدین علیه السلام در دعای شکر چنین به خداوند عرضه می دارد: اگر آدمیان را شیطان نفریفته و از طاعت تو باز نداشته بود، هیچ گنهکاری گناه نمی کرد و اگر باطل را در چهره حق جلوه نمی داد، هیچ گم گشته ای راه تو را گم نمی کرد.»

از نتایج ناگوار تزئین اعمال توسط شیطان، این است که انسان به زشتی و نادرستی گفتار و کردارش توجه ندارد و در نتیجه، از رفتار خود توبه نمی کند؛^۴ مثلاً اگر کسی عبادتی را که مطابق

۱. ر.ک: حجر، آیه ۳۹.

۲. ر.ک: توبه، آیه ۳۷.

۳. الصحیفة السجادیة، دعای ۳۷، ص ۱۶۴.

۴. ر.ک: انعام، آیه ۴۳؛ نمل، آیه ۲۴.

فرمان خداوند نیست، یعنی عبادتی را که بر اساس بدعت شکل گرفته، انجام دهد، شیطان به او کمک می‌کند تا بهتر عبادت کند و به او حال خوش و اشک چشم می‌دهد تا گمان نماید عملش حق است و این گونه، به آن ادامه دهد.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ عَمِلَ فِي بَدْعَةٍ خَلَاةِ الشَّيْطَانِ وَالْعِبَادَةِ وَالْقَى عَلَيْهِ الْخُشُوعَ وَالْبُكَاءَ؛^۱ پیامبر اسلام ﷺ فرمود: هرکسی در مسیر بدعت عمل کند، شیطان او را با عبادتش تنها می‌گذارد و به او خشوع و گریه را القا می‌کند.»

۶. ایجاد شبهه در اعمال شایسته

همان‌طور که شیطان با تزئین اعمال ناشایست، انسان را به سوی آنها سوق می‌دهد، در مسیر انجام اعمال صالح نیز با ایجاد شک و شبهه، مانع تراشی می‌کند. اگر کسی از وسوسه‌های دیگر شیطان رها شد و خواست در مسیر حق قدم بردارد، شیطان او را رها نمی‌کند؛ بلکه تا آنجا که بتواند برای او مشکل ایجاد می‌نماید تا در انجام عمل نیک، سست شود؛ مانند ایجاد شک و شبهه در قرائت و یا تعداد رکعات نماز؛^۲ حتی در نیت انسان نیز شبهه می‌اندازد که: «آیا این عمل من برای خداوند است یا ریایی است؟»

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَرَفَعْتُ بِهِ صَوْتِي جَاءَنِي الشَّيْطَانُ فَقَالَ: إِنَّمَا تُرَائِي بِهَذَا أَهْلَكَ وَالنَّاسَ. قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَقْرَأُ قِرَاءَةً مَا بَيْنَ الْقِرَاءَتَيْنِ تُسْمِعُ أَهْلَكَ...»^۳ ابوبصیر می‌گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: هرگاه قرآن می‌خوانم و صدایم را بدان بلند می‌کنم، شیطان نزد من می‌آید و می‌گوید: «با این کار، برای خانواده‌ات و مردم، ریا می‌کنی. حضرت فرمود: ای ابومحمد! با صدایی بین آهسته و بلند، چنان بخوان که خانواده‌ات بشنوند...»

۱. راوندی کاشانی، النوادر، ص ۱۸.

۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهُوُ فَأَمُضِ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدْعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ اگر در نمازهایت بسیار شک می‌کنی، [به شک خود اعتنا مکن] و به نماز ادامه ده؛ زیرا با این کار، تو را رها خواهد کرد. شک، از وسوسه شیطان است.» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۸)

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶، ح ۱۳.

۴. منظور این است که شیطان در قلبش وسوسه می‌کند؛ نه اینکه شیطان نزد او برود و او شیطان را ببیند.